

ترجمه علی اصغر معلم مکتب غازی
بقلم لارنس ۱۰ فرسورت

اندورا

کوهای موزیم فتودال یورپ

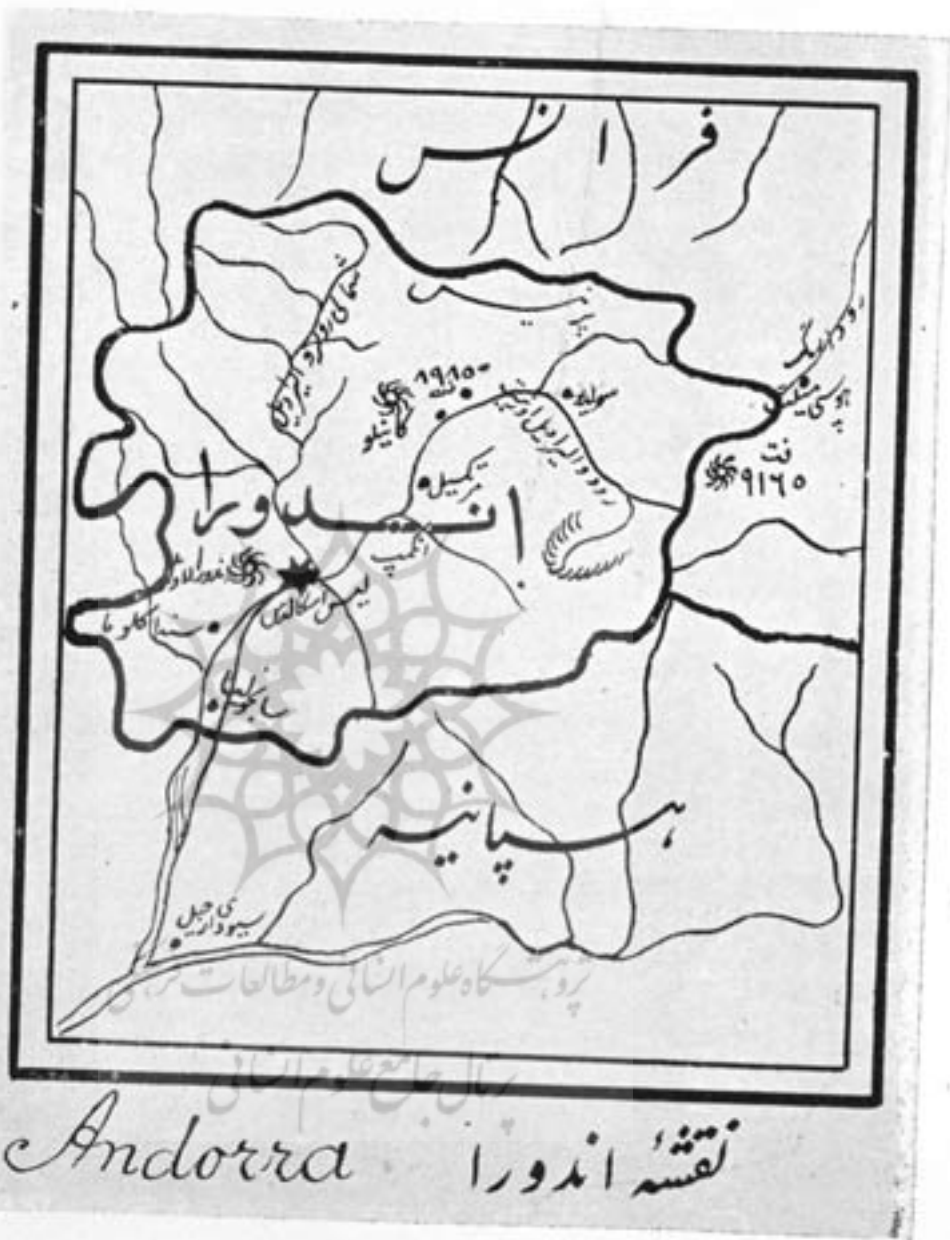
اندورا Andorra باوادیهای اندورا قبلاً یکی از معروفترین مقاصد رسمی اروپا بوده و بک مملکت کوچک عجیبی است که در آغوش کوههای پیریچ و خم وادیهای عمیق و گردنه های تنگ کم عرض احراز موقعیت نموده؛ شکل ظاهری این مملکت مثلث نما بوده و در دامان سلسله کوههای پرنیس Pyrenees طبیعیآ آرمیده است.

اگر ما به اندورا مراجعه کرده و وضعیت تاریخی این مقام مهم را تحت مطالعه قرار دهیم به صفحات وقایع تاریخی و حوادث مهمی که چندین قرن پیشتر در افق آنسایات حکمرانی داشت مراجعه خواهیم شد؛ مردمان وطنی این مملکت ۱۲ سال بعد از ویلیام فاتح از خاک انگلیند بدینجانب رهسپار وینا هنده شدند. خاک و زمین این قطعه عموماً بنام موزیم فتودال یورپ نامیده میشود؛ در این اقلیم انسان میتواند که وضعیت تاریخی و عادات ۶ صد سال قبل را عیناً مشاهده نماید.

این مملکت خورد یا کبک ویرا دارای (۱۹۹۱) مربع میل مساحت و تعداد نفوس آن به پنجهزار (۵۰۰۰) نفر بالغ میشود. جای تعجب است اینکه اندورا با وجود قلت نفوس و مساحت قلیل خود بازم دارای ۳ نوع حکومت میباشد دو حکومت شهزاده کمی و مطلق العنانی و حکومت سوم جمهوری و پارلمانی است.

این مملکت با وضعیت دنیای امر وزی مدخلیت و تعلق ندارد. اینجا موضعی است که عادات و رفتار قدیمه از اسلاف برای اخلاف باقی مانده و اهایی عموماً جهت اجرای مراسم گذاشته خود نهایت محتاط اند.

در روزهای آخر سپتا مبر من خود را بشهر هوسپی تیلک Hospitalet ملاحظه





پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نمودم اینجا آخرین محل پیدایش فراولان فرانس است که بیک طرف کوه‌های برنیس واقع است. بایک بکس اسباب سفر که در پشت دارم روی خود را بطرف اندورا کرده‌ام و عازم آن دبار شدم. چون فرانس را عقب گذاشتم بطرف طبقه‌های ضخیم مه و غبار که در مقابل چشم عرض اندام نموده اند متوجه شدم: در این اثنا از اثر مشاهده کوه‌های عظیم و نهایت در هم و برهمیکه بمقابلم قد افراشته اند خیلی متأثر گردیدم. کوه‌های مذکور در تحت توده‌های عظیم ابر خاکی مستور و از آنها اثری نمودار نبود.

تقسیمات اقلیمی

فوری این باران آهسته و خفیف بیک باران سنگین و عظیمی تبدیل گردید و بعد از آن قطرات آن به پاغند های برف تحول یافته برف باری شدیدی شروع شد. زبانه و شعله های برفک بهر طرف جلاش خود را مانند آتش آلات ناریه نشان میداد و آواز سهمگین و مهیب رعد نیز به تعقیب آن استماع میشد.

من در وسطه توده‌های ابر ضخیم و قطور ماندم مکتوبی که درین لفاقه محتوی میکردد پیدچده شده و اطرافم را بخوبی مشاهده کرده نمیتوانستم با حالت برین وضعیت بسیار خرابی بطرف کوه بالا شدم و جریان رفتار خود را ادامه داده میرفتم. توده‌های ابر در مقابل نظرم عیناً مانده غباریکه دنباله آن درین مه غبار شکسته گردد مشاهده میشدند. سپس این حالت طوفانی اندکی تغییر پذیرفته و بعد از ظرف دو ساعت توانستم که بذروه کوه صعود نمایم.

من در این اثنا ایستادم زیرا که بعضی یورت و برخی اینوالا بر میگویند عقب گذاشته و در هنگامیکه بذروه کوه صعود نمودم طوفان هوایی نیز از شدت خود کاست و سکوت و آرامش تمامی در آن جانب جاری گردید. اینجا موضعی است که حدفاصل بین تقسیمات اقلیمی و سردی آسامان است در آنجا اندکی حرکت نمودم و باطراف نگاه می نمودم.

رود اریک Ariege معبر خود را بطرف فرانس ادامه میدهد و اخیراً همه آبهای

خود را برود معروف کنار ون Giarone داخل نموده و نتیجه در آغوش بحر اطللس قرار میگردد ولی دریای دیگر و البرادیل اورنیت Valira del oriente از بیک دره معروف و بزرگ اند و رایعی از این را هیکه محل رفتار من قرار یافته است عبور مینماید و اخیراً به همسایه داخل شده و تمام آبهای خود را تسلیم مدتی رانه مینماید و به آن طرف دره برج ها و قلعه های سرحدی که همه از دیوار های نشیب و مائل تشکیل یافته اند با رتبه بسیار مرتفعیکه به آن طرف کوه ها واقع شده بودند مشاهده شد همه این بناها در تحت کوه های ابر و بحر سحاب تیره و تار معلوم میشدند کویا به گوشه منزوی گردیده بودند یکی از آنها فانت لیکر Fontneger است که کاملاً تاریک و مفرس دیده شد و بروی آن وصله های ابر فرود آمده بود و این قلعه با قلعه دیگر سر کودیس پسین Cirque des Pessons که بذریعه قراولان و دیده بانان محرابست میشدند مقابل بود. بعد از اندک زمانی بروی این دو قلعه ابر ها صعود نموده و در تحت بک طبقه برف کاملاً مستور و سفید معلوم میشدند.

معبر مهم باره استرها

من دو باره در بین توده های ابر که بهر طرف موج زنک جریان داشتند سراسر غائب شدم و بعد از اینکه از تحت نفوذ و اثر توده های ابر خود را رهائی دادم در وسط طبقه های مه و غبار جریان رفتار خود را ادامه داده میرفتم بعد از ظرف یک ساعت در سواد بو Solden و اصل شدم این موضع محلی است که اولین قراولان اندورا در آنجا بوظیفه خود مشغول بودند در آن موضع قریه ایست که به نسبت ارتفاع ۶ هزار فوت از سطح بحر در مملکت اندورا فخر و مباهات میکند. اگرچه هوا کاملاً تیره و تار بود و انسان نمیتوانست که جوانب خود را بخوبی مشاهده نماید لیکن باز هم میتوانستیم که اندکی اطراف خود را ملاحظه کنیم. سولد بود در پهلوی کوه مرتفعیکه میدان و نشیب تمامی بطرف مایان دارد واقع است و انجم آن و البرادیل اورنیت میباشد. پهلو و دامان کوه کاملاً از اثر نموی درختان سرود که هر یک باقد افراشته سر بفلک

کشیده بودند سبز و خرم بنظر جلوه نمودند. و در آنجا در آنجا که
 خود قریب به کاملاً از يك دسته خانه ها که تماماً از سنگهای خاکستری و سنگ سلت
 و احجار مدوری تعمیر یافته بودند بنظر بر خورد. سرك مهم و سنگی آن عبارت است از
 آنطریقی که معبر و راه قاطرها و استرها قرار یافته در انتهای این عمارت عمارت کوچکی
 که معبد مردمان است از دور ملاحظه گردید. کشیشان در روزهای یکشنبه به این معبد
 آمده و مراسم مذهبی خود را اجرا میدارند. اگر چه سال دیوانه شهرهای امروزه
 عالم دارای قهوه خانها و مهمانخانههای مهم نیست ولی باز هم يك هتل مختصری در آنجا
 وجود دارد عمارتیکه از سنگهای سلت خاکستری و سفید کنگره داری تشکیل یافته و يك
 حصه هائلی در پهلوئی سرك بنا یافته بود در پایان باغ و در پهلوئی دریاچه که بمقابل کوه
 واقع است اشغال موقعیت نموده. در بین این عمارت فرشیهای درشتیکه از تختها
 تشکیل یافته با شهینها، که از چوبهای جنگلی آماده شده بودند وجود داشت. در آنجا
 اطاقی است که در بین آن میزهای غیر منظم دراز گذاشته شده بودند. در پهلوئی این
 اطاق منزل دیگری است که نقشه های مندرسه و خرابیهای کهنه از دیوار آن آویزان بود.
 اطاق بزرگ که بنام اطاق دوم معروف است خانه طعام خوری است و علاوه منزل کله های
 کوفته و استرها و مریض اندازهای کوه گرد صحرا نوردهم آنجا است. اطاق دیگر که بنام اطاق
 اول معروف است، محل مهمانان، بهادران، مسافری که متناباً آنجا آمد و شد
 مینمودند میباشد.

مطبخ بدوی

چیزیکه بیشتر مورد توجه من واقع شده و مرا بخود جذب نمود همانا مطبخ معینی
 بود که در آنجا وجود داشت ولی نتیجه مطابخ دیگری را که همه مآثر قرون گذشته
 بود و کاملاً ویران و منهدم گردیده بودند ملاحظه نمودم مگر یکی از آنها بیشتر محل
 توجه من قرار گرفت. فرش این مطبخ خاك سخت زمین است بيك گوشه آن آندانی
 است که لیبب آتش بيكطرف ظرف سیاه دو در تصادف نموده و عموماً در آنطرف طعام

شام آماده میشد. در روی شهیدترهای مطبخ چندین مبخ ها نصب گردیده بودند و از آنها قطعات گوشت و روده حیوانات آویزان بودند. و علاوه بر ظروفیکه همه از روغن ماهی مملو بودند هم از آنها آویزان بودند.

اینجا موضعی است که اولین مرتبه چون از هوسپی نیتلت مراجعه کردم به انسان مصادف و ملاقی شدم و علاوه نخستین نظریات اجمالی خود را در موضوع عادات و اطوار عجیب اند و راثیها از این محل اکتساب نمودم.

من در این مطبخ در پهلوی آتش بالای چوکی نشسته و مشغول خشکیدن لباس و گرم ساختن وجود گردیدم. مادر بونل Mother Bonelle طعام را آماده میساخت. در پهلوی میزبکه طعام اعضای خانواده بر آن چیده میشد یک حصه از مهمانان اطاق اول و دوم نشسته و مهمان دار معروف ما جام بونل Jaume Bonelle مشغول خواندن مجله بود. جام Jaume جوانیست بلند بالا دارای بینی مطولی میباشد. چشمهای تیز و روشن آن در تحت ابروهای پرمویی عریض خیلی عمیق و جاذب بنظر تجسم مینمود. هنگامیکه راستان می ایستاد بسیار نحیف و لاغر معلوم میشد ولی از وجنات حال او نمایان بود که نهایت ذکی و حساس است. حالات او کاملاً خاطرهای پیش قراولان امریکای مغربی را تذکار میداد. چشمهای او خفا کستری و فوق العاده حساس معلوم میشد. جام جدیداً از منازعه اندور را مراجعه کرده است.

جام تازه از منازعه یکی از طوائف خود در و گردانیده و بمنزل خود وارد شده بود. هیئت کلیسا: (اندور دارای ۶ کلیسا میباشد) محصول و باج سالیانه را بدوش هتل جام تحمیل نموده بودند. اگر بیاد آورده شود دانسته میشود که قبلاً باج و خراج و محصولات از روی پول نبود و مردم بجهت تادیه محصولات بردها ما کیانها، پتیر، غله و حبوبات برای اسقفها یعنی علمای انصار که مردم را به دین انصرا نیت ترغیب نموده و در کلیساها همیشه خطابهها ایراد میکردند تادیه مینمودند ولی بعد از آن اثر عوامل چندی به عوض محصولات متذکره فوق پول بالای هر یک تحمیل گردید.

جام چون از این مسئله باخبر شد بیدرتنگ هتل خود را مسدود نموده و هنگامیکه اندورایشها از آنجا عبور مینمودند بایست همه در یکموضع بازطعام شب را صرف نمایند و در نحت آسمان بخوابند. جام میگفت اگر هیئت مجاس کلبیسا محصولات زیادی بالای مردم و هتلها بگذارند لازم است که بدوش مواضع دیگری از قبیل دشتها صحراها و غیره که مردم شب را در آنجاها توقف مینمایند هم حمل کنند. مبرهن است که مواضع مذکور از تادیه باج عاجز و بری میباشند اینست که هتل جام نیز از تادیه و قبول آن استنکاف می نماید.

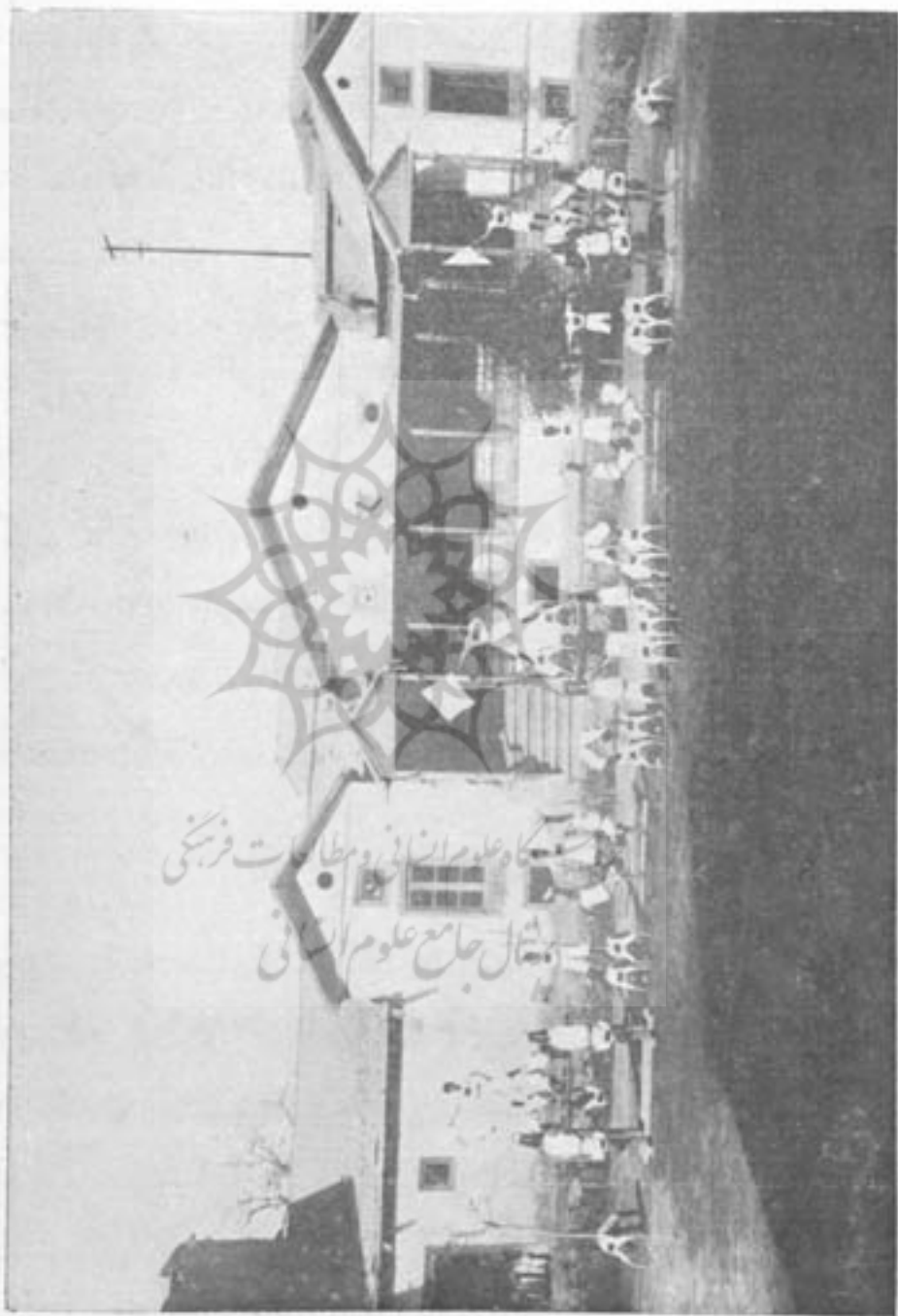
شخص معروف

یکی از اندورائیهها چنین نحر بر نموده است « جام یکی از اشخاص معروف اندورا در آن ناحیه مقام اولیت را دارا میباشد و یکی از سرکردگان معروف مملکت خود است. او از دو جهت معروف و ممتاز بوده یکی آنکه مقام رسمی او چندی را تصاحب نموده بود و دیگری اینکه مالک مزارع و گله های فراوانی بوده است. بعد از آنکه مدتی جام جریده را بیک جناب گذاشته و بامن بنامی مصاحبه را نهاد. سپس بطرف دیوار بیکه بمقابل ماست دست دراز نموده و بیک فوتوگراف مندرسه را برداشت و بمن نشان میداد. این فوتوگراف عکس و تصویر بیدرتنگ جام است. چهره و سیمای این شخص فوق العاده تعجب آور و وحیرت انگیز است. قیافه ترش و صورت عبوس دارد. او بالباس رسمی و مانند اعضای مجلس مملکتی و یا یازمان نمودار میشود. کون خاکی رنگی در بر نموده و کلاه رسمی خود را در سر داشت. بطرف تصویر این مرد معمر خیره خیره نگاه میکردم. سپس بجناب پرسش که با هوای خاکی رنگ خود بعقب سر پیدر نشسته و یکی از اعضای فامیلی و محافظ روایات و حکایات و مستحفظ زوت مجتمعه او بود بانظر همت و حیرت مشاهده میکردم. در آنوقت چنین حدس زدم که بزرگ بکعائله باتمام کلان شوند گمان اندورا با هم رابطه دارد و موافقت خوبی دارند. ما در بونل وظیفه خود را اجرا نموده و بجهت تهیه طعام شب مشغول خدمت بود و

هرگز توجه و اعتنائی بطرف ما و گفتار ما نمی نمود. بدور کردن خود در حال کردنی که کاملاً بوسیده و مندرس شده و رنگ آن سیاه بود پیچانیده بود. در آخر از آن جهت که غذا طعام ما عبارت است از ماهی قزل آلا و بک قسم ماهی کبا بشده دیگری که خیلی لذیذ و خوش طعم میباشد. و علاوه از آنها گوشت های کباب شده بز کوهی و بزهای بز نئیس حصه بزرگ طعام را تشکیل داده بودند. غیر از آنها اقسام دیگر گوشت ها که همه از آن شکار حیوانات سرحدی اندور را بدست آمده حصه باقیما نده خوراک ما را اکتال مینمود. بعد از صرف طعام دوباره دور محمر آتش نشسته و مشغول مصاحبه شدیم اشخاص مجتمعه عبارت اند از جام با ۳ پسرش و دو یاسه نفر مهمانان اطاق درجه دوم و من همه آنها لاغر و طویل، دارای روهای تیره، چشم ها و موهای سیاه بودند. یکی از این اشخاص کوهی و دارای سبیل های پر مرده هم بود. آنها با هم دیگر خودها بزبان دیگری که کاتالان Catalan است تکلم مینمودند ولی گفتارشان با حرارت و قوت نبود و خیلی آهسته و ضعیف ادامه داشت صرف حرکات و جنبش لبهای شان در وسط خاموشی ملاحظه میشد. آوازشان اگر چه آهسته بود ولی از وضع حال شان چنان استنطاق میشد که خیلی خورسند و مسرور بودند. آن پسر یکی که بدور آتش پایای دراز نشسته بود تقریباً ۶ فوت طویل و لاغر اندام مشاهده میشد. که خیلی خود پسند معلوم شد و اطمینان کاملی بخورد داشت. هنگامیکه آن شخص بزرگ معمر با او مصاحبه نموده و سخنی میگفت کاملاً با آواز نرم و آهسته جواب میداد. این پسر شخصی بود که وارث تمام مزارع و زمین های خانواده و میراث برمه بزرگی و شهرت پدر خود خواهد گردید. هنگامیکه پدرش پدرود حیات گوید البته او واضع قانون، سرکرده خانواده بزرگ برادران خواهد بود.

معابر

روز دیگر از سولدو بر خاسته و راجل مسافرت بر بستم رفتار خود را در بین راه های مطول باریک ادامه میدادم این راه خیلی معوج و پر پیچ و خم بوده و در وسط ممالکت



گناه علم از ان و مطابقت فریبگی
بشال جامع علوم انسانی

منظره دیگر از حرکات اسیدور مکتب غازی



پروشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

با اغوجاج تمامی رفتار داشت. هیچ آلات جدیدی نلقیه حتی عراده نیز در آنجا وجود ندارد. سرکها صرف معابر الاغها، قاطرها، اسبها و کوسفندها بودند. حالبا از مقابل نظرم الاغهاییکه تماماً با بارهای سنگین بار شده بودند عبور مینمودند.

الاغهای این ناحیه بارهای بزرگ و نهایت سنگین را از يك جا بدیگر جا انتقال میدهند. این حیوانات قوی با زین چوبی خود مینوانند که بسا اسباب سنگین را بدوش خود کشیده و بمنزل مقصود اگر چه بسیار بعید باشد میرسانند. بعضی اوقات دو چند وزن جدا آنها گرانتری دارند ولی با این هم آنها خسته و ذله نمیکردند. بعضی اوقات به نسبت و فور و ازدیاد اسباب و آلات صرف یا های حیوان بیچاره نمایان شده و سر و صورت آنها مستور میگرددند.

بسیار اشخاص خفیف و کم وزن که در پشت الاغها بار نمیکردند ولی باقی آلههای سنگین از قبیل بکسهای وزین مال التجاره، صندوقهای آب جو و روغن، زیتون و باقی اسباب و ادوات خانه حتی بعضی اوقات شپهترها و سنگهای بزرگ که باعث آبادی خانهها میگرددند بذریعه این حیوان قوی بار شده و به مقامات مطلوبه انتقال مییابند. تمامی رنگهای معابد و کلیساها بواسطه این حیوان به قلعهها و برجهای شهر چندین قرن پیشتر آورده شده اند.

الاغچیان این ناحیه عمر ما قاجاقچیانانی اند که با سیاه سیاه گناه گاهی مالهای گریزی را عبور داده و از پیش چشم من میگذشتند آنها اشخاصی اند که عموماً امتعه واجناس مختلفه را از قبیل ابریشم، فاسفورس، گوگرد، عطریات و تنباکورا میگزینند اشخاص مهم و معروف خاندان بزرگ عموماً قاجاقچیان و تجاران مال گریزی میباشند. قبلاً یکی از ریکاردهائیکه در مجلس قبول شده بود آن بود که يك انحصار و امتیازی جهت گریزاندن مال التجاره سلفرو گوگرد داده شده بود و قاجاقچیان برخلاف قوانین که برای آنها وضع شده بود نبودند.

یکی از راننده‌های الاغ شخصی است که از يك جانب من عبور نموده و از من تشکر زیادی نمود. این آدم بسیار چالاک و فعال و در عین حال عصبی میباشد. با اطمینان و سکون تمام راه خود را از بین این موضوع کوهستانی تعقیب نموده و بطرف منزل مقصود بایک جهسان آرامش و استراحت رفتار مینماید. با الاغ خود یکجا روان است. چهره‌های الاغچیان از اثر رزش باد و طوفان وضعیت دیگری بخود گرفته بود ولی باز هم کاملاً بحال طبیعی خود ها بودند. چشم‌های شان شفاف و درخشان موهای شان خاکی و عیناً بصورت رؤسای قبائل مشاهده میشدند آنها با وقارترین و بزرگترین اشخاص ناحیه خود بوده و باندازه کوه‌های خود سنگین بودند.

در زمان گذشته اندورائیدها دارای لباس مخصوصه بودند پیرهن دراز و عموماً مخملین کمربندهای سیاه، کتلهای مخملین، کلاه‌های ریشه دار ارغوانی عموماً البسه آنها خاصه از خیاطین و زن‌ها بوده و علاوه لباس مفشن و تاپک اندازه عمومی هم آنها محسوب میشدند.

من یکی از اندورائیدها را که بعقب الاغ خود رفتار مشغول بود ملاحظه کردم که به دسته مجتمعه قاچاقچیان معاونت نموده و رفاهت داشت. آن شخص خیلی فعال و متجسس و بهر چیز دانستن شوق تمام داشت قریب من آمده و از من چندین سوال نمود آیا مملکت شما مانند اقلیم ما دارای کوه‌های رفیع و بلند است؟ آیا جنگلات، الاغ‌ها، گوسفندها مانند ما دارند؟ او کشتی بخار حتی بایک کشتی کوچکی را هم تاحال مشاهده نکرده بود. زیرا آب‌های اندورا بسیار خراب و قابل راندن کشتی‌ها نیست آن شخص استماع نموده بود که امریکا دارای رئیس جمهور است.

ما اخیراً به کانیلو Canillo که یکی از جمله ۶ شهر مشهور اندورا است موصلت جستیم. کانیلو یکی از شهرهای خورد سیاهی است که بدامان کوه‌های سیاهی اشغال موقعیت نموده. این شهر موضعی است که خانه‌های درهم و برهم سیاه پیچیده در آن وجود دارد.

خانهایك بدیگر زاویه های مختلف و تماماً از سنگها تشکیل یافته اند . در اینجا سرکهای متصله خورد ، خوردی وجود دارند . در این موضع مهم یکدسته خانها بر روی قله مائلی تعمیر و بنا یافته .

به انتهای شهر عیناً ، مقابل این کوه های شامخ موضعی است که کاملاً از زرد تشکیل یافته و در آنجا برج های معبد قرار گرفته اند . این معبد کاملاً حالات و ماژرکانولیک هارا در آن ناحیه نشان میدهد . ذروه های مرتفع سیاه برج مانند بعقب قریه ، منزله پایبهای بلندترین کوه های اندورا کاس مانیا Casmanya بوده اند . کوه های متماثل بهمراه کمرها و پرتکاهای عمیق حاشیه دار بنظر آمده و خیلی محل حیرت و خوف قرار یافته بودند . اطراف این کوه ها کاملاً برهنه و عریان اند ولی در بعضی حصص هموار زمین های کم ارتفاعی وجود دارند که ریشه نباتات و علوفه ها در آنجا نمو دار میشود بخصه بالائی و به اطراف کوه ها میادینی وجود دارند که اشجار غرس شده و به باغستانی شباهت نامه داشتند بخصه مافوق این موضع کاماس نیز شروع شده و بطرف پسیان میلان مینماید و تقریباً از سطح بحر با ۹ هزار فوت ارتفاع دارد .

چون انسان باطراف قریه مذکور مقارنت میورزد کوه های سیاه منظم بامهتابی خانهای سفید شده اهالی نهای عجیبی را نشان میدادند باطراف بعضی خانها باغهای وجود دارند که در حسن و زناکت آنجا پمرا تپ افزوده اند . درین جا نیز کالاغ ها بارهای سنگین را از بیک جا بدیگر جا انتقال میدهند .

در کانیلو Canillo پسر نامعوماً البه درازی در بر میمانند و زنهای لباس های شان را بیک گوشه آب در باشت و شو میمانند .

مزار عیقه قیمت بهاتر از طلا است

از کانیلو بطرف بیش در بین کوه های خورد متر ا کم به تنهایی مسافرت نموده و اخیراً به وادی که عرض آن از هزار فوت بیشتر نیست داخل گردیدم به اکثر حصص میادین کم وسعت خانها و مساکن اهالی در بین کوه های مجتمعه و دریای کف دار مست

مشا هده میشدند. در حصص بلندترین کوها و به پهلوهای آنها میادین خوردن خورد اهالی نمودار میشدند. در هنگامیکه اهالی با کارهای قلیه خود در آن مواضع شخم و قایه زمین بودند تعجبات زیادی اطراف مرا گرفتند. در اندر را يك قطعه زمین بسیار خورد اهالی نسبت به فلز قیمتی طلا قیمت بها راست. اگر شخص ذرا زرع به نسبت کدام کار مهم و یا احتیاج تمام مزرعه خود را به فروش برساند اخیراً بعد از چندی خود او و با و اوست او دوباره زمین اجدادی خود را بهر قیمت و رخیکه باشد بدست می آرند. ثروت يك شخص نخستین به زمین ها و مزارع و سپس به استرهای او مربوط است. اهالی میگویند که مزارعشان نسبت به طلا بمراتب برای شان مفیدتر است زیرا ثروت مادی فلزی ممکن است که از دست بیرون رود و حالانکه زمین برای شخص همیشه محل استفاده قرار می یابد.

اهالی اندر را عموماً خوراکی خود را با تمام احتیاجات خود از اثر کار و فعالیت و عمر قچین خودها بدست می آرند قانون مهم فعالیت در سر تاسر آن مملکت جریبان دارد و تقریباً تمام اهالی زارع و کشتاور در اندر از خاک خودها ثروت و مواد غذایی خود را حاصل میدارند اهالی عموماً نقاط مهم زمین خودها را بلند و آشنا بوده و تقریباً در همه نقاط مملکت خودها گردش کرده اند و اگر کدام مراضعی را قابل زرع دانستند فوری به شخم و قلیه آن مشغول میگرددند و آن موضع را اگر چه سنگلاخ و ناصاف باشد پس از زحمت و کار زیاد مفید و قابل زرع قرار میدهند و از آن استفاده خوبی می نمایند.

در حصه بلندترین کوها قریه های تیزی اهالی باغله خانهای منور و که آنها وجود دارد این قریه ها و مواضع در آن زمستان کاملاً از برف مستور بوده و ترك میشوند ولی اهالی در روزهای تابستان در آنجاها بگشت و گذار مشغول بوده و ناهنگا میکه مزرعه آنها کاملاً دور شده و قابل خرمن گردند توقف مینمایند سپس غله های خود را بدر آنجا بگدام خانه ها و بیل نموده و به قریه های زمستانی مراجعت میکنند و با اینکه آنها را یکجا با خود می آرند.

این مسئله خیلی محل تعجب قرار یافته زیرا هنگامیکه شخص بطرف کوهها نظری اندازد بارهای بسیار بزرگ غله و کاه خشک را که خود بخود مانند مسافری عبور مینمایند مشاهده میکند ولی چون بسیار نزدیکشده و عمیقانه نگاه کند با های باریک سیاه و چهره تار بک الاغها را ملاحظه خواهد نمود اهالی عموماً حیوانات خود را آنقدر زیاد بار مینمایند که از زیر بار تنها پاها و گوشهای حیوان مشاهد میگردند عموماً زنها باشوهران خود بدنبال حیوانات روان بوده و آنها نیز بار غله و یا کدام چیز دیگری را بدوش خودها میکشند. لباس زنهای اندورا عموماً سیاه میباشد و علاوه شالهای سیاه همی را با دستمال کردن بدور کردن خودهای بیچانند. در روزهای یکشنبه بهمان لباس معتاده خودها مینویسند و پروندولی لباس جدیدی در بر مینمایند و چون البسه نویشان اندکی مستعمل میگردد آنها برای روز کار محل استفاده قرار میدهند. اگر بیک زن معمر اند و را نئی لباس سیاهی در بر نماید لازم است که دختران او به آن رنگ لباس ملبس نگردند.

وادی که بذریعه آن کانیلو را عقب گذاشتم فوق العاده کم عرض بنظر آمد. راه رفتار ما بطرف بالا صعود نموده و در بهلوی آن چندین پرتکاهای عمیقی وجود دارد و در وادو البرا از نظرم بسیار در بر بوده و صرف در بعضی نقاط که در بهلوی پرتکاهای مرتفعی ایستاده میشوم خود در ودم بنظرم نجسم مینمایند و از مسافت بسیار بعید مانند نهر باریک شیری مشاهده میگردد. اطراف مقابدم امکان مذهب اندورا را بزحمت عبور مینمودم این معا بد مقامی اند که در روزهای گذشته قاجاقچیان اندورا سکه و پول را بدهد بزرگ و معروف و رجن آف مرتکسیل *Virgen of meritxelle* تقدیم مینمودند.

قریه های بسیار مهم تخراب شده را با سنگهای متروکه معا بدو برجهای آن تماماً عبور نموده و همه را عقب گذاشتم اینها همه مآثر قرون قدیمه اند ولی کسی اندازه کرده نمیتواند که اینها در کدام زمان بنا شده و از چه وقت ترك شده اند.

بعد از آن بحرم مخصوص و رجن آف مرتکسیل مواصلت جستیم. این معبد سفید دارای دهلیز رواق مانندی میباشد. قریب آن خانه های سیاه کبشری وجود دارد.

معبد ورجن از حیث ساختمان و طرز بنا با معابد دیگر اندورا شباهتی ندارد. زیرا
از اثر جاه طلبی اشخاص این معبد تماماً اثر دست معماران اسپانوی است.
لیجند Legend میگوید چندین عصر پیشتر مجسمه ورجن بطور عجیبی
از تحت توده های خاک بیرون آورده شد. این مجسمه از زیر بنه کلابی استخراج شده.
اگر چه در آن هنگام زمین کاملاً از برف مستور بود ولی بازم بتنه مذکور دارای گلها بوده
و رنگ خوبی داشت این مجسمه هنوز در معبد باقی است روی عبوس مخوفی دارد
کفش های چوبی در پا و لباس دهقانی در بردارد و بدامان خود طفلی را کشیده است
مجسمه مذکور قبلاً در همان موضع مدفون از دست و یزیدگوتها ده قرن پیشتر دفن
گردیده بود.

اندر راینها متیقن اند که این ورجن در قرون گذشته باعث آزادی آنها گردیده
و حاضر اً اخلاص تمامی باو دارند.

راهب آخرین

راهب آخرین و منفرد بکه قبلاً محافظه معابد بزرگ و کلیسا های کوچک تمام
اندورا بوده حالا محافظه این حرم است.

اخیراً راه های معوج را د و باره تعقیب نموده و بمنزل مقصود امروزه خود که انکمپ
Encamp باشد در بسیار شدم. انکمپ دارای چندین کاروانسراها، گدام خانهاود و کانها
میباشد مثلاً بوت دوزی، آهنگری، نجاری و غیره. چندین سرکهای کم عرض و خانهای
نارنگ سیاه در این جا وجود دارد بمقابل چشم قله های شامخ مرتفع که مرا به بالا رفتن
مجبور میساختند مشاهده شد.

ازا نکمپ راه من مرا بطرف پایتخت مملکت اندورا لاولا Andorra la vella
یا اندوراوی اینشت عازم نمود. بعد از آن معبر مذکور بطرف اسپانیه و شهر معروف
ناریخی اوسودی ار جیل Sea de urgel که راه اسپانیه از جانب پرنیس است
ادامه داشت.

حالا من بطرف انکمپ از راه مطول کم عرض مرتفع که تقریباً چندین سال پیشتر از جانب ارجیل بنا یافته بود به تنهایی راه خود را ادامه میدهم این راه یکی از مرتفعترین راههای اندورا است. نهری با شریس و عجله تمامی از حصه بالائی بطرف پایان جریان داشت.

پایتخت اندورا

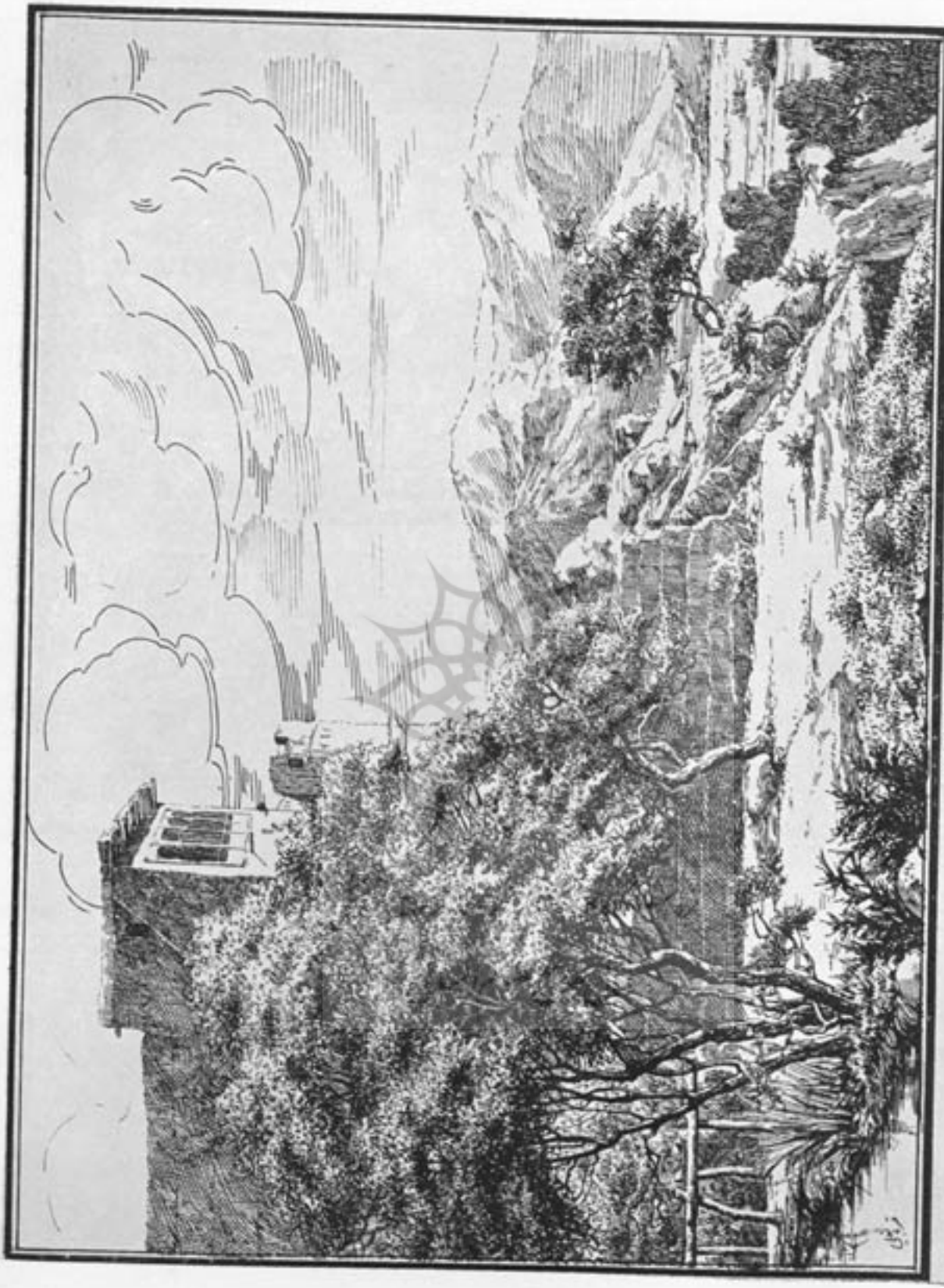
این راه مرتفعیکه من به استقامت آن مسافت میدنهام کاملاً پیر پیچ و خم بوده و کج گرد شیبهای متبادی یکی بعد دیگری نمودار شدند. من آخرین حصه کوه را دور زده و سپس بیک پل دهانی و یک نهر آبشاری تقرب ورزیدم در اینجا چندین هتل وجود دارند اخیراً بذریعه یک سرك كم عرضی به ایس اسکالیدس Les Escaldes مواصلت جنتم. بعد از آن آنجا راهم عقب گذاشته و بطرف مرعزاری بقدم زدن مشغول بودم و بر روی پل سنگی که بر روی حصه عرضی دریا بنا یافته بود رسیدم. پس از عبور چندین کوه بچه ها به اندورا اینشتن یا اندورالا ویلا داخل شدم. اینجا پایتخت مملکت است که خیلی معتدل و خوشگوار بوده و بمقابل کوههای متماثل که ارتفاع موقعیت دارد. اینجا انشیمنگاه حکومت ملی است موضع و محل عمومی شهر است در ایلاتا عملا د پل و بنا بی پینلوخ درین اینجا دکانها و معابد با برجهای مربع سنگی وجود دارد و علامه اهالی مانند دیگر نقاط بالای آلا غها با سنگین حمل نقلی نمابند. در اینجا چندین کادیهای عراده، کنا و کادیهها و باقی آلات نقلیه حقیره وجود دارد. یک راه تنگ سایه دار شخص را از میدان بطرف عمارت سلطنتی میرساند این عمارت بدامنه شهر بنا یافته بهترین و نفیسترین عمارات اندورا اینجا است. این عمارت جهت محافظه دفاتر و اوراق رسمی محل استفاده قرار یافته و علامه موضع اجتماع اعضای مملکت و یا جنرالهای مهم هم اینجا است و هر یک مسئله مملکتی آنجا تصفیه میشود. به مدخل عمارت دروازه عظیم حجیمی است که از زمان

فئودالیت به بیاد می آرد این عمارت دو طبقه بوده و بخصه مقدم خود دارای میدانی میباشد در مرکز عمارت طاقی است که دارای دو دروازه میباشد بیک گوشه عمارت برج کوچکی هم طرح شده است. بک برج مربعی دیگری هم دارد. این عمارت بعقب کوهها بنا یافته و زرد و زرشکی دارد. وقتیکه مجالس رسمی افتتاح می بایند بک شخص بزرگ یکی از نمایندگان پاپ را جهت نصب بیرق بدروازه عمارت می فرستند. ۲۰۴ نفر اعضای مجلس میباشد که همه از آن طرف کوهها پای پیاده و یا بالای الاغ می آیند. اعضای مجلس تقریباً همه با خود بک حیوانی را می آورند و برای آنها اجازه است که سالیانه مقداری پول جهت خوراکی حیوانات خود را از آنها لی بدست آرند.

اعضای مجلس و صدر آنها بعد از آن به مذاکرات خودها مشغول میگرددند. زنگ اطاق پارلمان اواخته میشود دروازهها مسدود شده و بجلسه مخصوصه خودها آغاز مینمایند. و تا زمانیکه همه مسائل و مذاکرات تصفیه نیابد از اطاق خارج نمیکردند و جلسه شان خامه نمی پذیرد.

لباس رسمی اعضای مجلس عبارت است از کون سیاه درازی علاوه کلاه سیاه خوش ساختی را هم در سر مینمایند بدین ترتیب خود نکثانی سیاهی می بندند و اگر کدام یکی از آنها دارای نکثانی مذکور نباشد به بک آن او سزا مجبور میگردد. در بین اعضای کابینه ۶ نفر از ۶ کلیسای اندوراهم میباشد که آنها با خود کلیه های صندوقهای چوبی که دور آنها را آهن بندی نموده اند دارند و در بین صندوق مذکور تمام دفاتر حکومتی و اوراق رسمی مقلد میباشد و تا زمانیکه کلی آنها تمام آورده نشود و صندوقها بازنگردد بمذاکره شروع نمی نمایند.

برای اول مرتبه بعد از ۶ قرن در اندورا در ماه می سنه ۱۹۳۳ رسماً بک نماینده اضلاع متحده امریکا آمده و مکتوبی از جانب مستر روزولت رئیس جمهور امریکا بجهت افتتاح مجلس حکومتی برای صدر مجلس داده و رئیس مذکور مکتوب روزولت را



مطبخ
دره لاله
بیتا
بیتا

زینلی



پروہش گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

رتال جامع علوم انسانی

درین صندوق تاریخی این مملکت ودیعه گذاشته است . کسی یوره نمیداند که ایا ابتدای اندورا از چه زمان بوده ولیکن تا یک اندازء اصل مسئله است که آخرین زنده کهنده آزادی این مملکت چار لیجمن است و او را یدر این مملکت میدانند . که از او فرمائی در موضوع آزادی اندورا هم باقی مانده سنه ۱۲۷۸ در سنه ۱۸۰۶ در زمان فرما نفرمائی ناپلئون اول اند و رانیه .! عرض حالی بحضور او نموده و به نسبت خوف و ترس اسپا نویها از شاه مذکور طالب کمک و امداد شدند . و ناپلئون خواهش آنها را پذیرفت . از اینست که از آن زمان تا حال درین فرانسه و اندورا رابطهٔ مودت تمامی جاری بوده و اهالی اندورا خلوصیت تمامی بفرانسه و رئیس جمهور او دارند .

اندورا دارای پارلمانی میباشد که اعضای آن بذریعهٔ سر کرده گان فامیلی ها انتخاب میشوند . اعضای پارلمان از جانب زمین ها نمایندگی میکنند نه از طرف مردم این وضعیت اندورا با زمان فتو دال کاملاً مطابقت دارد . بواسطهٔ حکومت داخلی این مملکت گفته میشود که اندورا حکومت اشرافی است ولی به نسبت دیگر اگر اندورا حکومت مطلق العنانی بگوئیم هم جائز است .

جدا دارد که بگوئیم اندورا مملکتی است که مجموعهٔ قوانین و عادات گذشته در آن جمع و محل قبول اهالی قرار یافته اند و را از ماه سپتامبر یعنی آن زمانیکه رفتار مسافرت من بجانب این مملکت کوهستانی ادامه داشت اندکی تغیر خورده و اولین مرتبه اساس ترقی و نهضت درین مملکت از آن زمان شروع گردید .

اندورا قرابت تمامی با دنیای خارجی خود که همیشه محل تغیرات اند دارد و یقیناً این الصاق و بهم پیوستگی باعث تغیر عادات اسلافی او خواهد گردید . ولی باز هم چنان خیال میکنم که هیچ اثر نمیدو اند این مملکت را از مزایا و خوبیهای سادهٔ آن مانع آید .

